

مقدمه

یکی از بزرگ‌ترین تصمیم‌هایی که یک فرد در دوران زندگی‌اش می‌گیرد، ازدواج است (لارسون و اولسون، ۱۹۸۹). آمادگی پیش‌از ازدواج، می‌تواند راهبرد مؤثری در کاهش طلاق و حمایت از ازدواج سالم باشد. عدم آمادگی افراد برای ازدواج و نگرش‌های اشتباه، عواملی هستند که باید در آموزش پیش‌از ازدواج شناسایی شوند (پولی ۲۰۱۱). پژوهشی نشان می‌دهد که افراد متأهل، مزایای بسیاری در مقایسه با افراد غیرمتأهل دریافت می‌کنند. افراد متأهل سالم‌ترند و زندگی طولانی‌تری دارند، وضعیت مالی بهتری دارند و شادی و رضایت‌مندی بیشتری گزارش می‌کنند (لیتزی‌نگر و گوردن، ۲۰۰۵).

در حال حاضر، در بسیاری از مناطق و کشورهای در حال توسعه، ازدواج‌های زودهنگام؛ یعنی، سن زیر ۱۸ سال برای دختران رایج است. به‌طور کلی، ۲۰ تا ۵۰ درصد از دختران در کشورهای در حال توسعه، در سنین زیر ۱۸ سالگی ازدواج می‌کنند (سینک، ۲۰۰۹). دخترانی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند، دانش و مهارت لازم در زندگی را ندارند و در شکل‌دهی به هویت خود با مشکل مواجه هستند و به‌دلیل نداشتن اعتمادبه‌نفس کافی، همواره متکی به دیگران هستند و از قدرت تصمیم‌گیری بالایی در زندگی برخوردار نیستند. از طرفی ازدواج زودهنگام در دختران، منجر به کاهش کیفیت زندگی آن‌ها می‌شود (گودا، ۱۳۸۲؛ به‌نقل از ابراهیمی و فخرایی، ۱۳۹۲). با وجود این‌که در جامعه‌ای نسبتاً مدرن زندگی می‌کنیم و ازدواج‌های در سن پایین موردقبول غالب مردم نیست؛ اما هنوز هم در گوشه و کنار کشور، شاهد ازدواج‌های زودهنگام هستیم که می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد از جمله، پایبند بودن خانواده‌ها به سنت و فرهنگ گذشتگان، عدم آگاهی، ازدواج‌های فامیلی، ازدواج‌های تحمیلی و مانند این‌ها که بدون شک، این آمار در شهرهای جنوبی که هنوز هم تحت‌تأثیر سنت و فرهنگ گذشته هستند بیشتر به‌چشم می‌خورد. به‌هرحال، ازدواج در سن پایین به هر دلیلی اتفاق افتاده باشد، بدون پیامد نخواهد بود. فرد در سن پایین، هنوز به بلوغ روانی و هیجانی کافی نرسیده و با کوچک‌ترین مسئله‌ای عصبی و خشمگین می‌شود و همین امر، موجب فروپاشی کانون گرم خانواده می‌شود. یکی دیگر از پیامدهای مهم ازدواج‌های زودهنگام، کاهش اعتمادبه‌نفس است. هر فرد باید در دامنه‌های سنی مختلف یک‌سری مهارت‌ها را کسب کند و اگر فردی در دوره نوجوانی ازدواج کند، یک‌باره بدون سپری کردن این دوره وارد دوره بزرگ‌سالی می‌شود و این امر، مانع از کسب مهارت‌های لازم شده و موجب می‌شود این افراد در روابط بین‌فردی احساس ضعف و ناتوانی داشته باشند. آمارهای رسمی حاکی از افزایش رشد طلاق در کشور هستند و این عامل با ازدواج زودهنگام بیشتر می‌شود؛ زیرا دخترانی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند و وقتی این دوره را پشت‌سر می‌گذارند و به سنین بالاتر می‌رسند معیارهایشان تغییر می‌کند و همین امر، موجب می‌شود احساس کنند در ازدواج خود اشتباه کرده‌اند.

گرچه آرزوی انسان برای داشتن یک ازدواج موفق و پایدار در گذر زمان کم‌رنگ نشده است؛ ولی فرهنگ

انتخاب همسر، نسبت به گذشته به‌طور چشمگیری دچار تغییر شده است (پاپی‌نوی و وایت‌هد، ۲۰۰۰). جوانان امروزه وقت بیشتری را در روابط پیش‌ازدواج سپری می‌کنند و زمان کافی برای تصمیم‌گیری در مورد انتخاب همسر^۱ آینده خود دارند؛ ولی در جوامع حاضر، در مرحله انتخاب همسر، دوره‌های آمادگی و آموزش‌های رسمی اندکی برای جوانان وجود دارد. درحال حاضر، جوانان مجرد زیادی در جامعه به حال خود رها شده‌اند و در موقعیت‌های انتخاب همسر سرگردان هستند. در گذشته، یافتن همسر به‌شدت تحت کنترل والدین بود و حتی در مواردی انتخاب همسر توسط آنان صورت می‌گرفت. سیلین (۲۰۰۳) بیان می‌کند، نوجوانان امروزی در شرایط حساس فردی و اجتماعی قرار دارند و همین شرایط، آنان را در معرض آسیب‌ها و خطرات زیادی در آشنایی با جنس مخالف و انتخاب همسر قرار می‌دهد و در شرایط بحرانی، کمتر حمایت و یا کمکی از سوی دیگران در جهت مراقبت از خود و داشتن ارتباط سالم با همسرشان دریافت می‌کنند. برخی از نوجوانان و جوانان مجرد، نشان داده‌اند که دارای باورها و آرزوهای غیرمنطقی در امر انتخاب همسر هستند (سیلین و شوام، ۲۰۰۴). این واقعیتی است که هر جوانی در دوران آشنایی با جنس مخالف، دارای دیدگاهی مثبت نسبت به همسر خود است و این امر، موجب می‌شود تا خطاهای همسرش را کوچک شمرده و خصوصیات مثبت و موردپسند او را فراتر جلوه دهد (مورای، هولمز و گریفین، ۱۹۹۶). برخی نوجوانان نیز با داشتن باورهای آرمانی، تصور می‌کنند که عشق به تنهایی، مهم‌ترین پایه انتخاب یک همسر است و این که هر انسانی تنها یک عشق واقعی دارد و این عشق اگر منجر به ازدواج شود، یک ازدواج موفق و کامل خواهد بود (اسپریچر و میتس، ۱۹۹۹). این‌گونه افکار رویایی و آرمانی در میان جوانان دختر و پسر مشاهده می‌شود (مونت‌گمری، ۲۰۰۵). این‌گونه انتظارات غیرمنطقی و باورهای محدودکننده^۲، موجب تخریب صمیمیت‌ها در روابط دوجانبه می‌شود، زیرا با داشتن این‌گونه دیدگاه‌ها، طرفین از ارتباط با یکدیگر راضی نبوده و در نتیجه، این ارتباط ناپایدار خواهد بود (ویزمن، دیکسن و جانسون، ۱۹۹۷؛ ون‌اپ، فوتریس، ون‌اپ و کمپل، ۲۰۰۸).

باورها، شیوه‌های احساس‌مان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند و پاسخ‌هایمان را به موقعیت‌ها هدایت می‌کنند که به‌نوبه خود، بر رضایتی که از زندگی و رابطه احساس می‌کنیم، تأثیر می‌گذارد. برای مثال، افرادی که معتقدند «باید کلاً قبل از این که ازدواج کنیم کامل باشیم»، ممکن است به قدری احساس بی‌کفایتی و یأس در مورد ضعف‌هایشان کنند که آن‌ها را از پیگیری سازنده برای یک همسر باز دارد. به‌هر حال، درک شیوع باورهای محدودکننده (قید و بندها) درباره انتخاب همسر در میان زنان و مردان مجرد و این که باورها ممکن است به ویژه مسئله‌ساز شود، می‌تواند به درمانگران و مشاوران خانواده و ازدواج کمک نماید که تا به افرادی که در شرف ازدواج هستند، کمک کنند تا برای ازدواج آماده شوند. یک موضوع برجسته در ادبیات تجربی در انتخاب همسر، مربوط به نقش و تأثیر باورهای شخصی در این فرآیند است. پژوهش‌های کمی در مورد شیوع باورهای محدودکننده در روابط پیش‌ازدواج و روش‌هایی که درمانگران بتوانند با آن‌ها در پیش‌ازدواج که چنین

۱. mate selection

۲. constraining beliefs

باورهای دارند مداخله نمایند، وجود دارد (لارسون، ۱۹۹۲). لارسون (۱۹۹۲)، از مطالعات ادبیات مربوط به نقش باورها در انتخاب همسر، نه باور محدودکننده که مکرراً افراد در انتخاب همسر از آنها اقتباس می‌کنند، شناسایی کرد: «یکی و تنها یکی^۱»، «شریک کامل^۲»، «خود کامل^۳»، «رابطه کامل^۴»، «تلاش بیشتر^۵»، «عشق کافی است^۶»، «هم‌خوابی^۷»، «متضادها یکدیگر را کامل می‌کنند^۸» و «انتخاب باید آسان باشد^۹». باورهای محدودکننده در انتخاب همسر، به‌عنوان باورهای شخصی تعریف می‌شوند که ممکن است: ۱- انتخاب‌های فرد را در رابطه با چه کسی و چه موقع ازدواج می‌کند محدود نماید؛ ۲- تلاش فرد را برای یافتن یک جفت مناسب افزایش یا کاهش می‌دهد؛ ۳- بررسی اندیشمندانه ضعف‌ها و قوت‌های بین‌فردی و عوامل پیش‌ازدواج که بر موفقیت ازدواج تأثیر می‌گذارند بازدارنده می‌کند و ۴- مشکلات و ناکامی انتخاب همسر همیشگی و انتخاب راه‌حل‌های جایگزین را برای مشکلات محدود می‌کند (لارسون، ۲۰۰۰؛ کوب، لارسون و واتسون، ۲۰۰۳؛ لارسون، ۱۹۹۲).

مطالعات متعددی از اثربخشی برنامه‌های آموزشی پیش‌ازدواج حمایت می‌کنند. از طرفی، افزایش نرخ طلاق و ناپایداری ازدواج، سبب شده تا دولت‌ها افرادی که قصد ازدواج دارند را به شرکت در برنامه‌های آموزشی پیش‌ازدواج تشویق کنند (مورای، ۲۰۰۴). در کشور ما در چند سال اخیر، تحقیقات هدفمند و انسجام یافته‌ای در مورد برنامه آموزش پیش‌ازدواج به شیوه برنامه آگاهی و انتخاب میان‌فردی بر باورهای ارتباطی دانشجویان مجرد (رجبی، عباسی، سودانی و اصلانی، ۱۳۹۵ الف)، برنامه آموزش پیش‌ازدواج به شیوه برنامه آگاهی و انتخاب میان‌فردی بر کاهش ترس از ازدواج و افزایش انگیزه برای ازدواج دانشجویان مجرد (رجبی، محمودی، اصلانی و امان‌الهی، ۲۰۱۷)، برنامه آموزش پیش‌ازدواج به شیوه برنامه ارتباط بر کاهش انتظارات ایده‌آل گرایانه جوانان مجرد (رجبی و عباسی، ۱۳۹۸)، برنامه آموزش پیش‌ازدواج مبتنی بر برنامه آموزش ارتباط بر کاهش باورهای ارتباطی ناکارآمد دانشجویان مجرد (رجبی، عباسی، سودانی و اصلانی، ۱۳۹۷) و آموزش پیش‌ازدواج به شیوه برنامه آگاهی و انتخاب میان‌فردی بر انتظارات ایده‌آل گرایانه دانشجویان مجرد (رجبی و همکاران، ۱۳۹۵ ب) انجام گرفته است که نتایج همه این تحقیقات، بیانگر این است که آموزش پیش‌ازدواج به جوانان، می‌تواند به‌عنوان یک عامل پیشگیرانه از بسیاری از بحران‌های بعدی جلوگیری نماید و آگاهی‌های لازم را در زمینه‌های مختلف انتخاب همسر و تغییر باورهای مثبت در جوانان ایجاد کند.

-
۱. one and only
 ۲. perfect partner
 ۳. perfect self
 ۴. perfect relationship
 ۵. try harder
 ۶. love is enough
 ۷. cohabitation
 ۸. opposing complement
 ۹. choosing should be easy

برخی از پژوهشگران بر این موضوع توافق دارند که مناسب‌ترین زمان برای آموزش مهارت‌های ازدواج، سال‌های دبیرستان و سنین نوجوانی و جوانی است (گاردنر، ۲۰۰۱؛ گاردنر، گیس و پاروت، ۲۰۰۴؛ سیلین و شوام، ۲۰۰۴). در این بازه زمانی است که بسیاری از نوجوانان شروع به دیدار و سایر انواع ارتباط‌گیری با افراد غیرهم‌جنس خود می‌کنند. براساس مطالعات کیفیت ارتباط رمانتیک نوجوانان، یکی از قوی‌ترین عوامل پیش‌بینی‌کننده وضعیت و حالات روحی آنان است (برنت و همکاران، ۱۹۹۳؛ جوینر و اودری، ۲۰۰۰؛ آدلر-بیدر، کریلمن، شارام، هیگینبوتام و پولاک، ۲۰۰۷).

انتخاب همسر، مرحله‌ای از رشد دیدگاه‌های افراد است که در آن مفهوم علاقه اجتماعی در روابط زوجین دیده می‌شود و اغلب می‌تواند با ارزیابی موضوع انتخاب همسر برای تشکیل ازدواج، موجب اطمینان بیشتر شود. همان‌طور که دریکورس^۱ (۱۹۶۸؛ به نقل از کرن، هاویس و کریستینسن، ۱۹۸۹) بیان کرد، ما انتخاب‌های زناشویی را براساس تمایل و سلیقه شخصی‌مان، روابط با دیگران و اهداف زندگی خود انجام می‌دهیم. افراد زمانی تصمیم به ازدواج می‌گیرند که احساس کنند به درجه‌ای از تجانس (تفاهم) بین سبک زندگی مجردی و متأهلی رسیده‌اند؛ یعنی دیدگاه مهم آنان در مورد نحوه زندگی و روابط دوجانبه، به اندازه کافی رشد و تعالی یافته باشد. ما با توجه به تجربیات منحصربه‌فرد راجع به خودمان، زندگی و روابط، مسئولیت نقش‌های خاصی را برعهده می‌گیریم؛ گرچه در سطحی از ناآگاهی، افرادی هستند که نقش خود ما را تکمیل می‌کنند.

برنامه‌های کمی برای آموزش پیش‌ازازدواج افراد مجرد وجود دارد. یکی از این برنامه‌ها، برنامه آموزش پیش‌ازازدواج، مبتنی بر دیدگاه آدلری است. در اوایل سال (۱۹۲۶)، آدلر یک حامی طرفدار مشاوره پیش‌ازازدواج بود و نیاز به مشاوره پیش‌ازازدواج را مطرح کرد. او اظهار داشت «بهترین کاری که می‌توان برای ثبات و پایداری ازدواج‌ها کرد که بشریت و نسل آینده از آن بهره‌مند شوند، این است که دوره‌های آموزشی پیش‌ازازدواج توسط روان‌شناسان با تجربه برای اصلاح نگرش‌ها، تصورات و باروهای نادرست زوج‌ها ارائه شود تا آن‌ها برای زندگی آینده آماده شوند» (آدلر^۲، ۱۹۷۸؛ به نقل از کرن، هاویس و کریستینسن، ۱۹۸۹). تقاضا برای آموزش‌های پیش‌ازازدواج در حال افزایش است. از طرفی، ناکافی بودن اطلاعات از اثربخشی واقعی این برنامه‌ها، نیاز به حمایت پژوهش‌های بیشتری دارد. هنوز این سؤال مطرح است که محتوای برنامه‌های پیش‌ازازدواج برای افراد جوان و مجرد چگونه باید باشد؟ در این پژوهش، محتوای برنامه آموزش آمادگی پیش‌ازازدواج مبتنی بر دیدگاه آدلری شامل مؤلفه‌های آگاهی از ازدواج، خودشناسی، خاستگاه‌های خانوادگی، ارتباط، مدیریت تعارض و همکاری است (پولی، ۲۰۱۱). تمرکز اصلی این پژوهش، بر آموزش پیش‌ازازدواج به‌عنوان یک ابزار پیشگیری مؤثر برای کاهش باورهای محدودکننده انتخاب همسر در دانش‌آموزان دختر مجرد مقطع متوسطه دوم است و سؤال اصلی این است که آیا آموزش پیش‌ازازدواج به شیوه برنامه آموزش پیش‌ازازدواج مبتنی بر دیدگاه آدلری، می‌تواند باورهای محدودکننده انتخاب همسر را در دانش‌آموزان دختر مجرد مقطع متوسطه دوم را بهبود بخشد؟

۱. Dreikurs, R.

2. Adler, A.

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

پژوهش حاضر یک پژوهش کمی و به لحاظ هدف کاربردی و از نوع طرح‌های نیمه‌آزمایشی با پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری بسط‌یافته با گروه کنترل است. جامعه این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر مدارس مقطع متوسطه دوم شهرستان جم در استان بوشهر در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ است. ابتدا یک فراخوان با هماهنگی با اداره حراست سازمان مدیریت آموزش و پرورش شهرستان جم و مدیران مدارس برای برگزاری کلاس‌های آموزش پیش‌ازدواج در میان مدارس دخترانه این شهرستان اعلام شد. در مرحله بعد، از میان دانش‌آموزان دختر که در این فراخوان ثبت‌نام کردند (۵ دبیرستان) و متقاضی شرکت در کارگاه آموزش پیش‌ازدواج بودند، بعد از یک مصاحبه اولیه و براساس ملاک‌های ورود به پژوهش: ۱- دانش‌آموزان مجرد کمتر از ۲۰ سال؛ ۲- عدم سابقه نامزدی یا عقد؛ ۳- عدم سابقه شرکت در کارگاه یا کلاس آموزش ازدواج یا پیش‌ازدواج؛ ۴- نداشتن مشکلات عاطفی و خلقی براساس راهنمای DSM-۵ و ۵- تمایل به حضور در جلسات آموزشی و ملاک‌های خروج؛ یعنی، نداشتن ملاک‌های ورود به پژوهش ذکر شده، ۵۲ دانش‌آموز دختر که نمره آن‌ها در مقیاس باروهای محدودکننده انتخاب همسر $1/5 =$ انحراف استاندارد بالاتر از میانگین بود انتخاب و به روش تصادفی ۲۶ شرکت‌کننده به گروه آموزش و ۲۶ شرکت‌کننده به گروه کنترل اختصاص یافتند. در مرحله بعد، شرکت‌کننده‌های گروه‌های آموزش و کنترل، قبل و بعد از مداخله آموزشی و دو ماه بعد از پایان مداخله آموزشی (مرحله پیگیری) در باورهای محدودکننده انتخاب همسر مورد ارزیابی قرار گرفتند. شرکت‌کننده‌های گروه آموزش تحت هفت جلسه ۹۰ دقیقه‌ای آموزش پیش‌ازدواج با تکیه بر اصول و فنون دیدگاه آدلری به صورت هفتگی و گروهی و از ۳۰ بهمن ۱۳۹۷ تا سه اردیبهشت ۱۳۹۸ در مرکز مشاوره آموزش و پرورش شهرستان جم قرار گرفتند و گروه کنترل تحت هیچ نوع آموزشی قرار نگرفتند و فقط در یک نشست دو ساعته در مورد فرآیند انتخاب همسر شرکت کردند. به منظور رعایت اصول اخلاقی، همه شرکت‌کننده‌های پژوهش حاضر از حق انتخاب آزادانه برای شرکت در پژوهش برخوردار بودند و از والدین آن‌ها نیز به صورت کتبی رضایت گرفته شد. پیش از آغاز آموزش، به شرکت‌کننده‌ها در تحقیق توضیح کلی در مورد اهداف تحقیق داده شد، اطمینان خاطر داده شد که داده‌های این پژوهش محرمانه خواهند بود و به صورت گروهی تحلیل می‌شوند و عدم تمایل به شرکت در هر جلسه و احترام به حقوق انسانی شرکت‌کننده‌ها رعایت شد.

ابزار سنجش

مقیاس باورهای محدودکننده انتخاب همسر^۱ (ARMSS): این مقیاس توسط کوب، لارسون و واتسون (۲۰۰۳) ساخته شده و شامل ۳۲ و نه باور محدودکننده در زمینه‌های مختلف ازدواج (یکی و تنها یکی، شخص کامل، عشق کافی است و مانند این‌ها) است. این مقیاس براساس مقیاس لیکرت پنج رتبه‌ای تدوین

۱. Attitudes About Romance and Mate Selection Scale (ARMSS)

شده است (کوب، لارسون و واتسون، ۲۰۰۳). روایی هم‌زمان این مقیاس با مقیاس باورهای روماتیک^۱، ۰/۴۵؛ ضریب پایایی آلفای کرونباخ در کل مقیاس ۰/۸۸ و در خرده‌مقیاس‌ها (یکی و تنها یکی، عشق کافی است، هم‌خوابی، اطمینان کامل، آرمان‌گرایی، آسانی تلاش و متضادها یکدیگر را کامل می‌کنند) از ۰/۶۴ تا ۰/۹۹ گزارش شده است (کوب، لارسون و واتسون، ۲۰۰۳). در مطالعه‌ای بر روی دانشجویان به روش تحلیل عاملی اکتشافی مقیاس ۳۲ ماده‌ای به یک مقیاس ۲۰ ماده‌ای تقلیل یافت و شش عامل ۱- یکی و تنها یکی؛ ۲- هم‌خوابی؛ ۳- متضادها یکدیگر را کامل می‌کنند؛ ۴- آسانی تلاش؛ ۵- اطمینان کامل و ۶- آرمان‌گرایی استخراج شد. بدین ترتیب نمره شرکت‌کنندگان در این مقیاس بر عدد ۲۰ تقسیم می‌شود که می‌تواند بین یک تا پنج متغیر باشد که نمره بالا بیانگر باورهای محدودکننده انتخاب همسر در شرکت‌کننده است. ماده‌های ۱۴، ۱۸ و ۲۰ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند تا سوگیری پاسخ‌ها را کاهش دهند (رجبی، فردوسی و شهبازی، ۱۳۹۰). رجبی، فردوسی و شهبازی (۱۳۹۰)، ضرایب پایایی آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۶۰ و برای شش عامل استخراج شده از ۰/۳۷ تا ۰/۷۸ و ضرایب همبستگی بین نمره کل و شش عامل به دست آمده از ۰/۶۰ (آرمان‌گرایی) تا ۰/۷۰ (هم‌خوابی) به دست آورده‌اند.

جدول ۱- خلاصه‌ای از صورت جلسه‌های آموزش‌های آمادگی پیش‌از ازدواج مبتنی بر دیدگاه آدلری (پولی، ۲۰۱۱)

جلسه	هدف
اول: آگاهی از ازدواج	هدف این جلسه، آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با موضوع ازدواج، کشف انتظارات و آرزوهای آنان از ازدواج و آن‌چه که برای موفقیت آنان ضروری است، بود.
دوم: خودشناسی و موضوع ازدواج	هدف این جلسه شناخت خود فرد و آن‌چه که فرد برای این ازدواج به میان آورده و تغییراتی که در زندگی به‌وجود خواهد آورد و همچنین شناخت شخصیت فرد و اثر آن بر موضوع ازدواج بود.
سوم: آموزش ریشه‌های خانوادگی	هدف این جلسه دستیابی به‌باورهای فرد درباره ازدواج و این‌که این عقاید چگونه در خانواده فرد رشد یافته است و نگاه کلی به ریشه‌های تربیتی خانواده و تأثیرات آن بر تشکیل خانواده جدید متمرکز بود.
چهارم: آموزش ارتباط	در این جلسه در مورد شناخت ارتباطات اجتماعی پیچیده افراد، کسب آگاهی از شخصیت اجتماعی و مدل ارتباطی آن‌ها در اجتماع و تأثیرات آن بر خانواده بحث شد.
پنجم: آموزش مدیریت تعارض	هدف این جلسه، شناخت نوع چالش‌ها، درگیری‌های افراد و فراگیری اصول و راهبردهای حل تعارض بود.
ششم: آموزش همکاری	در این جلسه با دانش‌آموزان در مورد اجزاء همکاری و اصول آن بحث شد. ازدواج مسئولیتی است که نیاز به همدلی و هم‌آوایی از سوی دو طرف دارد تا به یک امر موفقیت‌آمیز تبدیل شود.
هفتم: مرور مفاهیم اصلی و اجرای پس‌آزمون	ضمن تقدیر صمیمانه از حضور در جلسه آموزشی، مفاهیم جلسه‌های قبل شامل آگاهی از ازدواج، خودشناسی، خاستگاه‌های خانوادگی، ارتباط صحیح، مدیریت تعارض‌ها و همکاری مرور می‌شود و در پایان جلسه از اعضا پس‌آزمون به‌عمل آمد.

۱. Romantic Beliefs Scale

داده‌ها به روش آماری تحلیل واریانس با اثرهای تکراری^۱ (آمیخته) براساس مفروضه‌های آن از جمله نرمال بودن، آزمون کرویت موشلی^۲، M باکس^۳، آزمون کرویت بارتلت^۴ و همگنی واریانس لون^۵ و با استفاده از نرم افزار SPSS-۲۲ تحلیل شدند.

یافته‌ها

الف) توصیف جمعیت شناختی

۱۲ نفر از دانش‌آموزان دختر در گروه سنی ۱۵-۱۴ ساله، ۴۹ نفر در گروه سنی ۱۷-۱۶ ساله و ۱۷ نفر در گروه سنی ۱۸-۱۹ ساله و ۳۰ نفر در پایه تحصیلی دهم، ۲۶ نفر در پایه تحصیلی یازدهم و ۲۲ نفر در پایه تحصیلی دوازدهم بودند. همچنین، تحصیلات اکثر والدین دانش‌آموزان به ترتیب در مقطع کاردانی و دیپلم بود.

ب) توصیف شاخص‌ها

-
۱. The Repeated Measures Analysis of Variance
 ۲. Mauchly's Test of Sphericity
 ۳. M Box's Test of Equality
 ۴. Bartlett's Test of Sphericity
 ۵. Homogeneity of Variance Levene's test

جدول ۲- میانگین و انحراف معیار نمره‌های مؤلفه‌های باورهای محدودکننده انتخاب همسر در دانش‌آموزان دختر گروه‌های آموزش آمادگی پیش‌از ازدواج مبتنی بر دیدگاه آدلری (n=۲۶) و کنترل (n=۲۶) در مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری

مؤلفه‌ها	مرحله گروه‌ها	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		پیگیری	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
هم‌خوانی	آموزش مبتنی بر دیدگاه آدلری	۱۷/۱۵	۳/۲۰	۱۲/۳۴	۲/۶۲	۱۲/۳۸	۲/۲۹
	کنترل	۱۶/۵۰	۲/۷۴	۱۷/۰۰	۳/۲۶	۱۶/۱۱	۲/۵۵
اطمینان کامل	آموزش مبتنی بر دیدگاه آدلری	۱۶/۱۵	۲/۶۳	۱۴/۴۶	۲/۴۰	۱۴/۳۴	۲/۱۱
	کنترل	۱۵/۸۸	۲/۵۸	۱۶/۴۲	۱/۹۲	۱۵/۳۸	۲/۰۲
یکی و تنها یکی	آموزش مبتنی بر دیدگاه آدلری	۶/۳۰	۱/۳۷	۶/۳۰	۱/۳۷	۴/۷۶	۱/۵۰
	کنترل	۵/۷۳	۱/۲۵	۵/۷۳	۱/۲۵	۶/۲۶	۱/۳۴
متضادها یکدیگر را کامل می‌کنند	آموزش مبتنی بر دیدگاه آدلری	۱۰/۳۴	۲/۵۹	۸/۳۸	۳/۳۳	۸/۴۲	۲/۸۳
	کنترل	۱۱/۵۷	۳/۱۵	۱۰/۹۲	۳/۰۳	۱۱/۵۳	۲/۷۶
آرمان‌گرایی	آموزش مبتنی بر دیدگاه آدلری	۴/۸۴	۱/۶۶	۳	۱/۱۳	۳/۲۶	۱/۲۸
	کنترل	۶	۱/۷۸	۵/۴۶	۱/۹۰	۷/۵۷	۱/۴۴
آسانی تلاش	آموزش مبتنی بر دیدگاه آدلری	۸	۲/۴۴	۸	۲/۴۴	۵/۷۳	۱/۶۶
	کنترل	۸	۲/۸۰	۸	۲/۸۰	۷/۸۴	۲/۱۶

همان طور که در جدول ۲، ملاحظه می‌شود میانگین نمره‌های مؤلفه‌های باورهای محدودکننده انتخاب همسر در دانش‌آموزان دختر مجرد در برنامه آموزش آمادگی پیش‌از ازدواج مبتنی بر دیدگاه آدلری، در مقایسه با گروه کنترل از مرحله پیش‌آزمون به پس‌آزمون و پیگیری کاهش یافته است.

(ج) توصیف نرمال شاخص‌ها

جدول ۳- نتایج آزمون‌های فرض نرمال بودن (کولموگروف- اسمیرنف) و همگنی واریانس لون مؤلفه‌های باورهای محدودکننده انتخاب همسر در گروه آموزش و گروه کنترل در مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری

متغیر	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	پیگیری
هم‌خوانی	(F=۱/۳۰) ۰/۱۴	(F=۱/۵۱) ۰/۱۳	(F=۰/۰۵۰) ۰/۱۱
اطمینان کامل	(F=۰/۰۰۱) ۰/۱۶	(F=۰/۷۱) ۰/۱۶	(F=۰/۰۹) ۰/۱۳
یکی و تنها یکی	(F=۰/۰۹) ۰/۲۰**	(F=۰/۱۸) ۰/۱۸*	(F=۰/۰۶) ۰/۱۵
متضادها یکدیگر را کامل می‌کنند	(F=۰/۵۱) ۰/۱۳	(F=۱/۱۸) ۰/۱۸*	(F=۰/۱۲) ۰/۱۳
آرمان‌گرایی	(F=۰/۰۲) ۰/۱۵	(F=۱۰/۱۲*) ۰/۲۶**	(F=۰/۵۹) ۰/۳۱**
آسانی تلاش	(F=۱/۱۶) ۰/۱۴	(F=۱/۶۷) ۰/۱۶	(F=۳/۰۸) ۰/۱۵

همان گونه که در جدول ۳، مشاهده می‌شود تعدادی از مؤلفه‌ها از جمله یکی و تنها یکی در پیش‌آزمون و پس‌آزمون و مانند این‌ها، در برنامه آموزش مبتنی بر دیدگاه آدلری و تعدادی هم در گروه کنترل از توزیع نرمال پیروی نمی‌کنند. همچنین فرض برابری واریانس‌ها بین گروه‌های آموزش و کنترل فقط در مؤلفه آرمان‌گرایی تأیید نمی‌شود و در بقیه مؤلفه‌ها این فرض برقرار است. البته باید تذکر داد که فرض نرمال بودن در تحلیل واریانس تقریباً بی‌اهمیت است. پس با وجود نقض این فرض، احتمال خطای نوع اول در بیشتر موارد تقریباً در حدی است که آزمایشگر مشخص کرده؛ یعنی α (آلفا) باقی می‌ماند.

جدول ۴- نتایج آزمون‌های برابری ماتریس‌های کوواریانس آم باکس (M Boxes test) و موشلی در مؤلفه‌های باورهای محدودکننده انتخاب همسر

متغیر وابسته	آزمون موشلی	مجذور خی	df	آم باکس	سطح p
هم‌خوانی	۰/۷۱	۱۶/۱۴	۲	۳۸/۵۵	<۰/۰۰۱
اطمینان کامل	۰/۷۹	۱۱	۲	۲۰/۳۶	<۰/۰۰۴
یکی و تنها یکی	۰/۶۶	۲۰/۰۶	۲	۹/۷۴	<۰/۰۰۱
متضادها یکدیگر را کامل می‌کنند	۰/۷۳	۱۵/۰۷	۲	۲۲/۳۵	<۰/۰۰۱
آرمان‌گرایی	۰/۸۷	۶/۷۷	۲	۱۴/۲۲۱	<۰/۰۳۴
آسانی تلاش	۰/۷۰	۱۷/۳۱	۲	۱۷/۸۲	<۰/۰۰۱

همان‌طور که جدول ۴، نشان می‌دهد نتایج آزمون‌های برابری ماتریس‌های کوواریانس آم‌باکس و کرویت موشلی^۱ در مؤلفه‌های شش‌گانه باورهای محدودکننده انتخاب همسر در میان گروه‌ها یکسان نیستند و برای تحلیل این مؤلفه‌ها از آزمون محافظه‌کارانه گرین‌هاوس- کیزر^۲ استفاده شد (واینر، ۱۹۶۲).

(د) آزمون فرضیه‌ها

جدول ۵- نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه بین آزمودنی‌ها (گروه‌های آموزش و کنترل) در مؤلفه‌های باورهای محدودکننده انتخاب همسر

سطح p	نسبت F	میانگین مجموع مجزورات	df	مجموع مجزورات	منبع تغییرات	مؤلفه‌های باورهای محدودکننده انتخاب همسر
<۰/۰۰۱	۱۷/۶۶	۲۵۸/۹۸	۱	۲۵۸/۹۸	بین آزمودنی‌ها: گروه	هم‌خوابی
		۱۴/۶۵	۵۰	۷۳۲/۹۳	خطا	
p=۰/۰۹۰	۲/۹۹	۳۲/۳۱	۱	۳۱۲/۳۱	بین آزمودنی‌ها: گروه	اطمینان کامل
		۱۰/۷۹	۵۰	۵۳۹/۵۰	خطا	
<۰/۰۱۳	۶/۵۷	۲۷/۰۸	۱	۲۷/۰۸	بین آزمودنی‌ها: گروه	یکی و تنها یکی
		۴/۱۱	۵۰	۲۰۵/۸۵	خطا	
<۰/۰۰۱	۱۲/۱۹	۲۰۵/۳۹	۱	۲۰۵/۳۹	بین آزمودنی‌ها: گروه	متضادها یکدیگر را کامل می‌کنند
		۱۶/۸۴	۵۰	۸۴۲/۱۱	خطا	
<۰/۰۰۱	۳۸/۱۵	۱۵۲/۰۲	۱	۱۵۲/۰۲	بین آزمودنی‌ها: گروه	آرمان‌گرایی
		۳/۹۸	۵۰	۱۹۹/۲۰	خطا	
<۰/۰۰۲	۱۰/۳۶	۹۳/۸۵	۱	۹۳/۸۵	بین آزمودنی‌ها: گروه	آسانی تلاش
					خطا	

همان‌گونه که در جدول ۵، مشاهده می‌شود نسبت Fهای مشاهده شده عامل گروه‌ها در مؤلفه‌های «هم‌خوابی» ($F=۱۷/۶۶$ و $p<۰/۰۰۲$)، «یکی و تنها یکی» ($F=۶/۵۷$ و $p<۰/۰۱۳$)، «متضادها یکدیگر را کامل می‌کنند» ($F=۱۲/۱۹$ و $p<۰/۰۰۱$)، «آرمان‌گرایی» ($F=۳۸/۱۵$ و $p<۰/۰۰۱$) و «آسانی تلاش» ($F=۱۰/۳۶$ و $p<۰/۰۰۲$) از باورهای محدودکننده انتخاب همسر در سطح $p<۰/۰۰۱$ معنادار هستند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که برنامه آموزش آمادگی پیش‌ازدواج مبتنی بر دیدگاه ادلری (۱۹۷۸)، باعث کاهش این باورهای غیرمنطقی در گروه تحت مداخله آموزشی نسبت به گروه کنترل شده است (مقایسه‌های جفتی آزمون بنفرونی گروه آزمایش و کنترل همگی بیانگر تأیید این یافته‌ها در سطح معناداری $p<۰/۰۰۱$ هستند)، اما بین شرکت‌کننده‌های گروه آموزش و کنترل در مؤلفه «اطمینان کامل» تفاوت وجود ندارد ($F=۲/۹۹$ و $p=۰/۰۹۰$).

۱. Mauchly's test of Sphericity

۲. Greenhouse-Geisser

جدول ۶- نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌گیری‌های تکراری درون آزمودنی‌ها در مراحل سه‌گانه مداخله آموزشی در مؤلفه‌های باورهای محدودکننده انتخاب

همسر					
منبع تغییرات	مجموع مجدورات	df	میانگین مجموع مجدورات	نسبت F	سطح p
درون آزمودنی‌ها: مراحل مداخله آموزشی (هم‌خوابی)	۱۹۸/۶۱	۱/۵۶	۱۲۷/۱۸	۲۲/۲۸	<۰/۰۰۱
گروه‌ها×مراحل مداخله آموزشی	۲۰۹/۰۷	۱/۵۶	۱۳۳/۸۷	۴۵/۲۳	<۰/۰۰۱
درون آزمودنی‌ها: مراحل مداخله آموزشی (اطمینان کامل)	۶۱/۳۴	۱/۶۶	۷۸/۲۰	۶/۸۸	<۰/۰۰۳
گروه‌ها×مراحل مداخله آموزشی	۳۲/۶۶	۱/۶۶	۱۹/۶۱	۶/۴۹	<۰/۰۰۴
درون آزمودنی‌ها: مراحل مداخله آموزشی (یکی و تنها یکی)	۸/۶۶	۱/۴۹	۵/۷۸	۲/۸۲	p=۰/۰۹۰
گروه‌ها×مراحل مداخله آموزشی	۳۸/۸۲	۱/۴۹	۲۵/۹۳	۱۲/۶۷	<۰/۰۰۴
درون آزمودنی‌ها: مراحل مداخله آموزشی (متضادها یکدیگر را کامل می‌کنند)	۴۸/۱۶	۱/۵۸	۳۰/۴۵	۵/۰۹	<۰/۰۱۳
گروه‌ها×مراحل مداخله آموزشی	۲۴/۲۴	۱/۵۸	۱۵/۳۳	۲/۵۶	۰/۰۹۵
درون آزمودنی‌ها: مراحل مداخله آموزشی (آرمان‌گرایی)	۴۲/۶۱	۱/۷۷	۲۴/۰۵	۱۲/۸۲	<۰/۰۰۳
گروه‌ها×مراحل مداخله آموزشی	۱۳/۲۸	۱/۷۷	۷/۴۹	۳/۹۹	<۰/۰۲۶
درون آزمودنی‌ها: مراحل مداخله آموزشی (آسانی تلاش)	۴۷/۱۶	۱/۵۴	۳۰/۶۰	۸/۰۳	<۰/۰۰۲
گروه‌ها×مراحل مداخله آموزشی	۴۸/۰۹	۱/۵۴	۳۱/۲۰	۸/۱۹	<۰/۰۰۲

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود نسبت F ‌های مشاهده شده درون آزمودنی‌ها در مراحل مداخله آموزشی بر کاهش مؤلفه‌های هم‌خواهی، اطمینان کامل، متضادها یکدیگر را کامل می‌کنند، آرمان‌گرایی و آسانی تلاش معنادار می‌باشند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که بین مراحل سه‌گانه پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری در این مؤلفه‌ها از باورهای محدودکننده انتخاب همسر تفاوت معنادار وجود دارد؛ یعنی برنامه آموزش آمادگی پیش‌ازدواج مبتنی بر دیدگاه آدلری (۱۹۷۸)، باعث کاهش باورهای غیرمنطقی شرکت‌کنندگان گروه آموزشی شده است؛ اما این برنامه آموزشی در کاهش باور غیرمنطقی «یکی و تنها یکی» شرکت‌کننده‌های گروه مداخله نشده است ($F=۲/۸۲$ و $p=۰/۰۹۰$). در این زمینه پنج تحلیل واریانس جداگانه با اندازه‌گیری‌های تکراری برای گروه آموزش مبتنی بر دیدگاه آدلری (۱۹۷۸) در سه مرحله مداخله آموزشی در مؤلفه‌های پنج‌گانه انجام شد. با توجه به معنادار شدن آزمون‌های موشلی و استفاده از آزمون محافظه‌کارانه گرین‌هاوس-کیزر، مقادیر F ‌های مشاهده شده درون آزمودنی‌ها در سه مرحله پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری در مؤلفه‌های هم‌خواهی ($F=۳۹/۴۵$ ، $df=۱/۱۱$ و $p<۰/۰۰۱$)، اطمینان کامل ($F=۹/۴۱$ ، $df=۱/۳۶$ و $p<۰/۰۰۲$)، متضادها یکدیگر را کامل می‌کنند ($F=۵۷/۲۵$ ، $df=۱/۰۹$ و $p<۰/۰۰۱$)، آرمان‌گرایی ($F=۱۶/۳۷$ ، $df=۱/۴۷$ و $p<۰/۰۰۱$) و آسانی تلاش ($F=۱۹/۵۹$ ، $df=۱/۲۵$ و $p<۰/۰۰۱$) معنادار می‌باشند. برای این که دقیقاً معلوم شود که بین کدام‌یک از مراحل سه‌گانه مداخله آموزشی در گروه آموزش برنامه آمادگی پیش‌ازدواج مبتنی بر دیدگاه آدلری (۱۹۷۸) در کاهش این باورهای محدودکننده انتخاب همسر تفاوت وجود دارد، از آزمون مقایسه جفتی بنفرونی^۱ استفاده شد. مقایسه‌ها در این گروه تحت مداخله آموزشی نشان داد که بین مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون و بین پیش‌آزمون و پیگیری در سطح $p<۰/۰۰۱$ تفاوت معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر، مداخله آموزشی آدلری (۱۹۷۸)، باعث کاهش نمره‌های پنج مؤلفه از باورهای محدودکننده انتخاب همسر از مرحله پیش‌آزمون به مرحله پس‌آزمون و از مرحله پیش‌آزمون تا مرحله پیگیری شده است؛ اما بین مرحله پس‌آزمون و مرحله پیگیری در این پنج مؤلفه از باورهای محدودکننده انتخاب همسر تفاوت دیده نمی‌شود و این یافته اخیر، بیانگر ماندگاری اثر این نوع آموزش است.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی اثربخشی آموزش برنامه آمادگی پیش‌ازدواج مبتنی بر دیدگاه آدلری (۱۹۷۸) بر باورهای محدودکننده انتخاب همسر در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم ۹۸-۱۳۹۷ انجام شد. یافته اول نشان داد که این برنامه آموزشی باعث تغییر باورهای غیرمنطقی هم‌خواهی پیش‌ازدواج دانش‌آموزان دختر شده است. این یافته با یافته‌های پریست، بارت، تامپسون، وگل و شاون ولدت (۲۰۰۹)؛ وان‌اپ و همکاران (۲۰۰۸)؛ شیر، گل محمدیان و حجت‌خواه (۱۳۹۵)؛ شیرزاد و فکری (۱۳۹۵)؛ کریمی‌بلداجی، ثابت‌زاده، زارعی و صادقی فرد (۱۳۹۳)؛ رجبی، پیردایه و خجسته‌مهر (۱۳۹۱)؛ سلیمی و کریمی (۱۳۹۱) و فرامرزی، اسماعیلی و فرح‌بخش

۱. bonferonni

(۱۳۸۵) هم‌سو است. این باور بیانگر آن است که من و همسر آینده‌ام اگر پیش‌از ازدواج با یکدیگر زندگی کنیم، شانس ازدواج موفق را افزایش خواهیم داد. پژوهشگران در بررسی تاریخچه هم‌خانگی و موفقیت زناشویی دریافتند زوجینی که رابطه هم‌خانگی پیش‌از ازدواج داشته‌اند نسبت به افرادی که این رابطه را تجربه نکرده‌اند بیشتر احتمال دارد از زندگی مشترک‌شان ناراضی‌تری داشته باشند و احتمال جدایی و طلاق در این افراد بیشتر است (لارسون، ۲۰۰۰؛ وایت و گالاگر، ۲۰۰۰).

بنابراین، به‌نظر می‌رسد شیوع آرام و خزنده روابط هم‌خانگی در زندگی نوجوانان ایرانی در روابط پیش‌از ازدواج که به دلایل مختلف از جمله رواج سبک زندگی غربی، ورود و گسترش رسانه‌های جهانی مانند ماهواره و اینترنت، شبکه‌های مجازی و مانند این‌ها، می‌توانند در بنیان و ساختار خانواده‌های ایرانی آسیب وارد نمایند. در فرهنگ ایرانی، به دلیل اعتقادات و باورها، هم‌خانگی پیش‌از ازدواج از جایگاه و مطلوبیت برخوردار نیست. به‌نظر می‌رسد سودمندی این آموزش‌ها این است که با ایجاد و مسئولیت‌پذیری و تعهد در قبال افکار و باورها، موجب توجه بیشتر به این هنجارها و ارزش‌ها فرهنگی، دینی و عرفی شده است (آزاد ارمکی، شریفی ساعی، ایثاری و طالبی، ۱۳۹۱).

برنامه آموزش مبتنی بر دیدگاه آدلری، باعث کاهش باور «اطمینان کامل» در دانش‌آموزان دختر مجرد در مراحل پس‌آزمون و پیگیری گروه آموزش شده است. این یافته با یافته‌های پریست و همکاران (۲۰۰۹)؛ وان اپ و همکاران (۲۰۰۸)؛ شیرری، گل محمدیان و حجت‌خواه (۱۳۹۵)؛ شیرزاد و فکری (۱۳۹۵)؛ کرمی بلداجی و همکاران (۱۳۹۳)؛ سلیمی و کریمی (۱۳۹۱) و فرامرزی، اسماعیلی و فرح‌بخش (۱۳۸۵) هم‌سو است. این باور به این صورت بیان می‌شود که «یک زوج قبل از این که ازدواج کنند باید مطمئن باشند که ازدواج‌شان موفقیت آمیز است». آن‌ها ممکن است قرار ملاقات داشته باشند، نامزد باقی بمانند و برای دوره‌های طولانی مدت به طور غیرضروری هم‌خانه باشند تا دریابند که ازدواج‌شان موفق خواهد بود. آن‌ها ممکن است شرایطی را برای امتحان رابطه‌شان ترتیب دهند که این رفتارها نشان‌دهنده عدم اعتماد یا تعهد بنیادی در رابطه یا ترس مفرط از شکست است (لارسون، ۱۹۹۲).

براساس دیدگاه آدلر (۱۹۷۸)، انتخاب همسر مرحله‌ای از رشد دیدگاه‌های افراد است که در آن مفهوم علاقه اجتماعی در روابط زوجین دیده می‌شود و اغلب می‌تواند با ارزیابی موضوع انتخاب همسر برای تشکیل ازدواج، موجب اطمینان بیشتر شود. افراد انتخاب‌های زناشویی خود را براساس تمایل و سلیقه شخصی‌شان، روابط با دیگران و اهداف زندگی خود انجام می‌دهند. انسان زمانی تصمیم به ازدواج می‌گیرد که احساس کند به درجه ای از تجانس (تفاهم) بین سبک زندگی مجردی و متأهلی رسیده است (دریکورس، ۱۹۶۸؛ به‌نقل از کرن، هاویس و کریستینسن، ۱۹۸۹).

به‌نظر می‌رسد افرادی که به این باور معتقدند، تمایل ندارند به شکست، طلاق و عدم موفقیت ازدواج‌شان فکر کنند و آن‌ها همیشه مایل هستند که به ازدواج موفق فکر کنند و تا می‌توانند پیش‌از ازدواج از عواملی که باعث شکست آن می‌شود، جلوگیری کنند؛ به‌خصوص در جامعه مذهبی ایران که طلاق از دیدگاه خانواده، افراد جامعه و اسلام ناپسند شمرده می‌شود. به هر حال، موفقیت در ازدواج، یک امر نسبی است و هیچ ازدواجی حتی

اگر دو نفر یکدیگر را عاشقانه دوست داشته باشند، در بعضی از شرایط ممکن است از یکدیگر رضایت کامل نداشته باشند و در این جلسات، مطلق‌نگری شرکت‌کنندگان به چالش کشیده شد و آن‌ها به این نتیجه رسیدند که ازدواج یک امر نسبی است و بعضی از شرایط، می‌توانند زندگی زناشویی را تحت‌تأثیر قرار دهند.

یافته دیگر نشان داد که برنامه آموزش مبتنی بر دیدگاه آدلری، باعث کاهش باور «یکی و تنها یکی» در دانش‌آموزان دختر گروه آموزش در مقایسه با گروه کنترل شده است. این یافته با یافته‌های پریست و همکاران (۲۰۰۹)؛ وان‌اپ و همکاران (۲۰۰۸)؛ شیری، گل‌محمدیان و حجت‌خواه (۱۳۹۵)؛ شیرزاد و فکری (۱۳۹۵)؛ کرمی‌بلداجی و همکاران (۱۳۹۳)؛ رجبی، پیردایه و خجسته‌مهر (۱۳۹۱) و سلیمی و کریمی (۱۳۹۱) هم‌سو است. فردی که این باور را دارد احساس می‌کند که «یک شخص و تنها یک شخص واقعی در جهان برای ازدواج کردن با من وجود دارد». چندین پیامد منفی برای افرادی که این باور را دارند، وجود دارد. زمانی که آن‌ها این شخص واقعی را پیدا کردند، چگونه تصمیم‌گیری می‌کنند؟ آیا آن‌ها یک احساس خاص، سحرآمیز را تجربه خواهند کرد؟ آیا یک فرد، دیگر موارد ازدواج مناسب را رد خواهد کرد، در حالی که منتظر این احساس خاص است؟ طبق این باور معشوق به جست‌وجو تشویق می‌شود، نه برای یک همدم و همراه خوب (یکی از چندین انتخاب‌های درست)، بلکه برای یک همدم و همراه صحیح و درست (لارسون، ۱۹۹۲).

آدلر (۱۹۷۸)، نشان داد که بسیاری از باورها و سنت‌های اجتماعی مرسوم اغلب در شکل‌گیری چنین پندارهای نادرستی در خصوص ازدواج تأثیرگذار هستند. این باور که «آن‌ها بعد از ازدواج خوشبخت می‌شوند»، اسطوره‌ای است که در بسیاری از کتاب‌ها و فیلم‌های پرطرفدار تبلیغ می‌شود. برای مثال، در این زمان‌ها ازدواج به‌عنوان حلال مشکلاتی است که فرد با آن درگیر است. در مقابل، آدلر عنوان می‌کند که ازدواج، شروع وظایف جدیدی است که نیاز به داشتن نگرش به برابری، همکاری، مسئولیت متقابل، علاقه به دیگری، همچنین مهارت در برقراری ارتباطات، مدیریت تعارض‌ها و تلاش برای همکاری کردن دارد. میانگین سنی دختران مورد پژوهش ۱۷ سال است که بیانگر نوجوان بودن آنان است. در نوجوانی بسیاری از افراد به‌ویژه دختران با شعرها و موسیقی‌های رمانتیک، رمان‌های عاشقانه، فیلم‌های رمانتیک و گفت‌وگو با جنس مخالف یا موافق در فضایی قرار می‌گیرند که دیدگاه سیندرلایی پیدا می‌کنند و همسر را به مثابه شاهزاده سوار بر اسب سفید تلقی می‌کنند. این دیدگاه از واقعیات ازدواج و زندگی مشترک فاصله دارد و جلساتی مانند جلسات آموزشی این پژوهش توانست که این باور را در آن‌ها تعدیل کند.

برنامه آموزش مبتنی بر دیدگاه آدلری، باعث کاهش این باور که «متضادها یکدیگر را کامل می‌کنند» در دانش‌آموزان دختر مجرد شد که هم‌سو با یافته‌های پریست و همکاران (۲۰۰۹)؛ وان‌اپ و همکاران (۲۰۰۸)؛ شیری، گل‌محمدیان و حجت‌خواه (۱۳۹۵)؛ شیرزاد و فکری (۱۳۹۵)؛ کرمی‌بلداجی و همکاران (۱۳۹۳)؛ رجبی، پیردایه و خجسته‌مهر (۱۳۹۱)؛ سلیمی و کریمی (۱۳۹۱) است. موضوع برتری / کهنتری در مقایسه با برابری در سبک زندگی هر کدام از همسران اغلب در انتخاب همسر انعکاس می‌یابد. در ازدواج‌های ناموفق، گرایش برای کسب موقعیت برتر نسبت به همسر، اغلب به‌عنوان یک جاذبه اولیه آشکار می‌شود. برخی به‌دنبال فردی هستند که از نظر جذابیت ظاهری، هوش، مهارت یا پیشرفت در موقعیت پایین‌تری باشد تا از رقابت در حوزه‌هایی که

برای خودنمایی مهم است، اجتناب کنند. برخی دیگر به خصوص زنانی که در نقش‌های پایین امور جامعه حضور دارند، به دنبال فردی هستند که در نقش برتری باشد و سپس با به دست آوردن نقاط فرضی و آگاهی به ناشایستگی‌های همسر خود، از آن به عنوان ابزاری برای کنترل و نفوذ او، سوءاستفاده می‌کند و خود را در موقعیت برتر و اداره‌کننده امور قرار می‌دهد؛ ولی هنوز هم برخی افراد به دنبال انتخاب همسری هستند که رنج و ناراحتی و نارضایتی را با خود بیاورد تا از این طریق، موقعیت اخلاقی بالاتری همانند یک ایثارگر به دست آورند (دریکورس، ۱۹۶۸؛ به نقل از کرن، هاویس و کریستینسن، ۱۹۸۹).

با توجه به نمره بالای دختران در پیش‌آزمون، باور متضادجویی را می‌توان این‌گونه مورد تفسیر و تبیین قرار داد که دختران در آرزوی به دست آوردن چیزی هستند که آن را ندارند. همان‌طور که می‌دانیم این‌ها همه نماد است. بنابراین، این نماد در زمان انتخاب همسر، می‌تواند به صورت یافتن زوجی متفاوت ظهور پیدا کند؛ یعنی دختر به دنبال ویژگی‌هایی است که در خود نمی‌بیند، پس همسری با صفات متضاد را جست‌وجو می‌کند (سپهری و حسن‌زاده، ۱۳۹۰). این باور اگر به هنگام انتخاب همسر در دختران و پسران وجود داشته باشد، می‌تواند پیامدهای ناگواری در زندگی زناشویی بعدی به همراه داشته باشد.

براساس دیدگاه همسان‌همسری، افراد مایلند فردی را به همسری انتخاب کنند که از لحاظ ویژگی‌های شخصیتی، فرهنگی، پیشینه خانوادگی، اجتماعی، تحصیلی، هوش، مذهب و مانند این‌ها مشابه آن‌ها باشند؛ زیرا در این صورت رفتارها و ویژگی‌های همسرشان برای آنان قابل‌پیش‌بینی است (هاتوری، ۲۰۱۳). مفهوم همسانی به سن، پیشینه تحصیلی، جذابیت فیزیکی، هوش و عوامل جمعیت‌شناختی مانند دین، قومیت و طبقه اجتماعی اشاره دارد (فو و هیتون، ۲۰۰۸). برطبق نظریه همسان‌همسری، افراد با جذابیت همسان یکدیگر را جذب می‌کنند و به علاوه، بیشتر افراد شریکی را انتخاب می‌کنند که در سن، مذهب، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، حتی هوش شبیه آن‌ها باشد؛ زیرا بیشتر احتمال دارد که ایده‌های مکمل داشته باشند (کنوکس، ۲۰۱۵). هاتوری (۲۰۱۳)، بیان کرد که همانندی در جذابیت بین دو شریک با اهمیت است. از این رو، افراد تمایل دارند با کسانی رابطه داشته باشند که تقریباً آن‌ها را در زیبایی مساوی ارزیابی کنند. شواهدی برای شباهت‌های ژنتیکی وجود دارد که افراد ترجیح می‌دهند که شرکای اجتماعی‌شان، شبیه خودشان باشند که این شباهت معمولاً به فرهنگ و عوامل شناختی مثل رشد کردن به شیوه خاص یا تأیید قضاوت‌های فرد درباره جهان نسبت داده می‌شود (گریس، جرای و بریسکی، ۲۰۱۰). همسانی، می‌تواند به نفع روابط بلندمدت زوجین باشد؛ چرا که احتمال اختلاف‌نظرها و ناسازگاری را در زندگی روزمره زوجین کاهش می‌دهد. همسانی میان دو فرد، نه تنها آنان را به سوی یکدیگر جذب می‌کند؛ بلکه پیوند و وصلت ایشان را استوارتر می‌سازد. به سخن دیگر، ناهمسانی میان دو همسر، منبع کشمکش‌های خانوادگی است (زوندی، ۲۰۱۶).

براساس پژوهش قادری و مردانی (۱۳۹۲)، هرچه همسان‌همسری افزایش پیدا کند، مطلوبیت روابط زناشویی نیز افزایش می‌یابد. در نتیجه، رمز خوشبختی زوجین در نحوه انتخاب همسر است و زن و شوهری که همسانی در زمان پیش‌از ازدواج مدنظر قرار دهند، معمولاً احساس رضایت بیشتری دارند. برعکس، زوجینی که ناهمسانی همسری در پیش‌از ازدواج را مدنظر قرار دهند، زمینه‌ای مساعد برای کشمکش و تضاد بین زوجین

می‌باشند. بنابراین، با توجه به تحقیقات، به نظر می‌رسد زوج‌هایی که در نگرش‌ها (شناخت، احساس و رفتار)، ارزش‌ها، باورها (چگونه می‌اندیشند، چگونه با یکدیگر برخورد می‌کنند) و ویژگی‌های شخصیتی با یکدیگر شباهت دارند، می‌توانند زندگی زناشویی پایداری را تجربه کنند. به طور کلی، این نوع آموزش باعث شد که شرکت‌کنندگان دختر، نگرش مطلوب و واقع‌بینانه‌تری نسبت به امر ازدواج و انتخاب همسر پیدا کنند.

برنامه آموزش آمادگی ازدواج، باعث شد که باور «آرمان‌گرایی» دانش‌آموزان دختر مجرد کاهش پیدا کند که در تأیید یافته‌های از شیرزاد و فکری (۱۳۹۵) و رجبی، پیردایه و خجسته‌مهر (۱۳۹۱) است. افرادی که این باور را دارند، معتقدند برای ازدواج باید یک فرد کامل پیدا شود. لارسون (۲۰۰۰)، این انتظار را غیرواقعی توصیف می‌کند؛ زیرا آرمان‌گرایی و کمال‌گرایی، توانایی فرد را برای یافتن راه‌حل در موقعیت‌های مشکل‌ساز کاهش می‌دهد. به علاوه، زمانی که این انتظارات برآورده نشد، عدم اطمینان و اضطراب در روند انتخاب همسر به تدریج پدیدار می‌شود. افرادی که به این باور معتقدند، غالباً تمایل به داشتن روابط کوتاه‌مدت با هدف ارزیابی شریک‌شان دارند و وقت کافی برای توصیف روابطشان نمی‌گذارند؛ در نتیجه، این باور ممکن است باعث ناامیدی هر دو فرد شود (پریست و همکاران، ۲۰۰۹). افراد می‌خواهند شریک زندگی خود را جذاب‌تر، بااستعدادتر و باهوش‌تر از آن‌چه که واقعاً درست است، ببینند (پاروت و پاروت، ۱۹۹۵). این باور خیلی زود به ناامیدی و انحلال رابطه منجر می‌شود (لارسون، ۲۰۰۰). پاروت و پاروت (۱۹۹۵)، نشان دادند که در آغاز ازدواج، بزرگ‌ترین اشتباه داشتن تصور ایده‌آل از همسر است. انسان‌ها معمولاً قادر نیستند که فرد ایده‌آل‌شان را راضی کنند تا مطابق با رؤیاهای‌شان باشد. افراد باید با تمرکز روی ملاک‌هایی که برای خودشان ضروری است، همسرشان را انتخاب کنند تا زمانی که همه پیش‌شرط‌هایشان نداشته باشد، بتوانند سازش کنند. تعادل بین شریک ایده‌آل و شریک واقعی، جوهره فرآیند انتخاب همسر است (لارسون، ۲۰۰۰؛ آیدین، ۲۰۱۶). براساس رویکرد آدلر، یکی از باورهای اشتباه در سبک زندگی فرد خود ایده‌آل است، باور آن‌چه من باید باشم یا برای داشتن جایگاه باید داشته باشم یا تصویری از باورهای دنیا، نه درباره من؛ بلکه آن‌چه دنیا از من می‌خواهد و دلگرمی (از مفاهیم آدلری) اعتقاد به توانایی و یک فلسفه خوش‌بینانه را به زندگی ارائه می‌کند و یکی از عناصر سازنده عملی است که کمک می‌کند تا فرد فاصله میان ظرفیت خود و محدودیت‌هایش را پر کند. از این طریق، فرد به ارزش‌های خود، آگاه و به نقاط قوت و داشته‌هایش واقف می‌شود؛ بنابراین از قدرتی که برای اتخاذ تصمیم و انتخاب دارد، آگاهی پیدا می‌کند.

پس افراد با بهبود علاقه اجتماعی خود، می‌توانند به تغییر نگرش خود نسبت به سبک زندگی برگزیده برای خود اقدام کنند. در جلسات آدلری با موردتوجه قرار دادن شیوه انتخابی زندگی خود برای تأمین امنیت خاطر و آگاهی از اعتقادات در زمینه مفهوم خود، خودآرمانی، تصویری از جهان و اعتقادات اخلاقی و همچنین اشتباهات اساسی که نگرش‌های تحریف شده‌ای هستند که باعث گمراه شدن شیوه زندگی می‌شوند به ایجاد هدف‌های جدید در زندگی و ارتباطات مؤثر در شیوه جدید زندگی خود می‌شوند (دریکورس، ۱۹۶۸؛ به نقل از کرن، هاویس و کریستینسن، ۱۹۸۹).

در مورد کامل و بی‌عیب و نقص بودن خود و همسر آینده (ایده‌آل‌نگری)، می‌توان گفت باید خودمان و

دیگران را همان طوری که هستیم بپذیریم؛ زیرا هیچ کس بی عیب و نقص نیست. در واقع، امور را همان گونه که هستند، بدون قضاوت یا سعی در متفاوت جلوه دادن آن‌ها بایست احساس و تجربه کرد، با پذیرش خودمان و دیگران، بدون قضاوت حس خوبی خواهیم داشت. بنابراین، در این جا باید گفت که ازدواج یک فرآیند عقلانی-عاطفی است و در این زمینه مشاوران و درمانگران ازدواج، می‌توانند با در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی ازدواج مراجعان را در یک مسیر خوشایند و رضایت از زندگی متاهلی واقعی قرار دهند.

یافته دیگر این پژوهش، این بود که آموزش آمادگی پیش‌از ازدواج باور «آسانی تلاش» را تحت تأثیر قرار داد؛ یعنی آموزش توانست به این افراد کمک کند که اگر فردی در آینده می‌خواهد زندگی مشترک را آغاز نماید، باید همواره تلاش و کوشش را با ترکیب عقل و منطق در این زمینه انجام دهد. این یافته با یافته‌های پریست و همکاران (۲۰۰۹)؛ وان‌اپ و همکاران (۲۰۰۸)؛ شیرزاد و فکری (۱۳۹۵)؛ کرمی‌بلداجی و همکاران (۱۳۹۳)؛ شریعتمدار، اخوان و فرخی (۱۳۹۳)؛ سلیمی و کریمی (۱۳۹۱) هم‌سو است. اگر ازدواج را به‌دست تصادف و شانس و اقبال بسپاریم و هیچ‌گونه تلاش و جست‌وجوی عقلانی توأم با عشق و محبت را انجام ندهیم، می‌دانیم که در این فرآیند موفق نخواهیم شد. ازدواج و انتخاب همسر، یک حادثه نیست؛ بلکه یک فعالیت زیستی، اجتماعی و روان‌شناختی است که انسان‌ها را به یک زندگی هدفمند سوق می‌دهد. اگر انسان‌ها به ازدواجی که از سوی خانواده، دوستان و افراد آشنا صورت می‌گیرد، معتقد نباشند آن‌ها دچار باورهای سخت‌گیرانه هستند که فرد یا افراد جامعه برای خودشان ایجاد می‌کنند و به سادگی نمی‌توانند از این باورهای نادرست خلاص شوند. اگر این افراد، بیش‌از اندازه عشق را به‌عنوان یک ملاک اساسی در نظر بگیرند و عوامل دیگر از جمله ویژگی‌های بین‌فردی و شخصیتی که در زندگی مشترک بسیار مهم‌اند نادیده بگیرند باز دچار اشتباه هستند. از طرفی، این افسانه که انتخاب همسر تصادفی است، مسئولیت بعضی از افراد را برای شکست رابطه و فعالیت کردن برای رشد رابطه کاهش می‌دهد. البته این باور که انتخاب همسر یک شانس و تصادف است، بیشتر در افرادی که دارای منبع کنترل بیرونی هستند نیز، وجود دارد.

به‌نظر می‌رسد یک تبیین برای مؤثر بودن این آموزش‌ها بر باور آسانی تلاش این است که در جامعه کنونی ما با وجود تغییراتی که در سطح جامعه برای دختران رخ داده و مشارکت بیشتر آن‌ها در عرصه‌های اجتماعی را در پی داشته است؛ بنابراین دختران این حق را برای خودشان قائل می‌شوند که خودشان باید همسر آینده خود را انتخاب کنند و تا حدودی خود را در تلاش برای یافتن همسر مناسب که مطابق با اهداف و معیارهایشان باشد، توانمند می‌دانند. همچنین آن‌ها با شناخت و آگاهی بیشتر متوجه خواهند شد که می‌توانند در مورد موضوعات مختلف از جمله انتخاب همسر حق انتخاب درست و به‌موقع را داشته باشند و این آموزش‌ها هم به طور نسبی این هشیاری را در شرکت‌کنندگان ایجاد کند که هر فردی سرنوشت خود را رقم می‌زند.

محدودیت‌های این پژوهش مربوط به گروه خاصی از جامعه؛ یعنی دانش‌آموزان است که امکان تعمیم نتایج را به جمعیت‌های دیگر باید با احتیاط صورت گیرد و گروه مطالعه حاضر دختران بودند که امکان تعمیم نتایج را به جامعه پسران با احتیاط مواجه می‌کند. پیشنهاد می‌شود که این برنامه آموزشی، توسط سازمان آموزش و پرورش در اولویت برنامه‌های درسی دانش‌آموزان و نوجوانان کشور قرار گیرد که نوجوانان با معیارهای انتخاب

همسر و خودشناسی آگاه شوند.

منابع

- ابراهیمی، ح. و فخرایی، س. (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با ازدواج زودرس در شهرستان نقده. *مطالعات جامعه‌شناسی*. ۶(۳۱)، ۹۳-۱۱۰.
- آزاد ارمکی، ت.، شریفی ساعی، م. ح.، ایثاری، م. و طالبی، س. (۱۳۹۱). هم‌خانگی؛ پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران. *جامعه‌پژوهشی فرهنگی*. ۳(۱)، ۴۳-۷۷.
- رجبی، غ. ر.، پیردایه، م. و خجسته‌مهر، ر. (۱۳۹۱). اثربخشی آموزش شناختی- رفتاری گروهی به شیوه الیس بر کاهش باورهای محدودکننده انتخاب همسر در دانشجویان دختر. *دوفصلنامه مشاوره کاربردی*. ۲(۲)، ۱-۱۴.
- رجبی، غ. ر.، عباسی، ق. ا.، سودانی، م. و اصلانی، خ. (۱۳۹۵ الف). آموزش پیش‌ازدواج به شیوه برنامه آگاهی و انتخاب‌های بین‌فردی بر انتظارات زناشویی ایده‌آل‌گرایانه دانشجویان مجرد. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*. ۳۲(۳)، ۲۱۲-۲۲۱.
- رجبی، غ. ر.، عباسی، ق. ا.، سودانی، م. و اصلانی، خ. (۱۳۹۵ ب). اثربخشی آموزش پیش‌ازدواج به شیوه برنامه آگاهی و انتخاب‌های بین‌فردی بر باورهای ارتباطی دانشجویان مجرد. *مجله مشاوره و روان‌درمانی خانواده*. ۶(۱)، ۲۱-۷۹.
- رجبی، غ. ر.، عباسی، ق. ا.، سودانی، م. و اصلانی، خ. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش پیش‌ازدواج مبتنی بر برنامه آموزش ارتباط بر کاهش باورهای ارتباطی ناکارآمد دانشجویان مجرد. *فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی*. ۹(۲)، ۱۵-۱.
- رجبی، غ. ر.، فردوسی، س. و شهبازی، م. (۱۳۹۰). بررسی کفایت روان‌سنجی مقیاس باورهای محدودکننده انتخاب همسر. *دوفصلنامه مشاوره کاربردی*. ۱(۱)، ۳۷-۵۶.
- رجبی، غ. ر. و عباسی، ق. ا. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش پیش‌ازدواج به شیوه برنامه آموزش ارتباط بر کاهش انتظارات ایده‌آل‌گرایانه جوانان مجرد. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*. ۲۵(۴)، ۳۸۴-۳۹۵.
- سپهری، ص. و حسن‌زاده توکلی، م. ر. (۱۳۹۰). بررسی اعتبار و روایی مقیاس نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر. *فصلنامه خانواده‌پژوهشی*. ۷(۲۸)، ۴۰۱-۴۱۹.
- سلیمی، ج. و کریمی، م. (۱۳۹۱). تأثیر آموزش مفاهیم نظریه لازاروس بر تغییر نگرش نسبت به انتخاب همسر در بین دانشجویان دختر. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی*. ۱(۴)، ۵۳۳-۵۱۲.
- شریعتمدار، آ.، اخوان، م. و فرخی، ن. ع. (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش مفاهیم نظریه شناختی با تأکید بر خطاهای شناختی بر نگرش مربوط به انتخاب همسر. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشاوره خانواده و گرایش. دانشگاه علامه طباطبائی*.
- شیرزاد، ر. و فکری، ک. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش گروهی نظریه شناختی بر باورهای محدودکننده انتخاب همسر دانشجویان. *سومین کنفرانس جهانی روان‌شناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم، شیراز، دانشگاه زرقان*.

- شیری، ط.، گل محمدیان، م.، و حجت‌خواه، س. م. (۱۳۹۵). اثربخشی طرحواره درمانی بر نگرش‌های ناکارآمد نسبت به انتخاب همسر در دانشجویان دختر. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*. ۷(۲۲)، ۱۸۸-۱۷۱.
- فرامرزی، ع.، اسماعیلی، م.، و فرح بخش، ک. (۱۳۸۵). آموزش درک متقابل ماهیت جنسیتی و تغییر نگرش دانشجویان دختر (۱۸ الی ۲۴ ساله) نسبت به نحوه انتخاب همسر. *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*. ۵(۲۰)، ۹۴-۸۱.
- قادری، ط.، و مردانی، س. (۱۳۹۲). رابطه همسان‌همسری و مطلوبیت روابط زناشویی. *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*. ۴(۱۵)، ۸۷-۱۲۹.
- کریمی‌بلداجی، ر. ا.، ثابت‌زاده، م.، زارعی، ا.، و صادقی‌فرد، م. (۱۳۹۳). اثربخشی مشاوره گروهی به شیوه عقلانی-عاطفی - رفتاری بر نگرش‌های ناکارآمد همسرگزینی دختران و پسران. *مجله پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*. ۴(۲)، ۱۷۱-۱۸۸.

References

- Adler, A. (1978). *Cooperatkm between the sexes: Writings on women, love and marriage, sexuality and its disorders*. Ansbacher, H. & Ansbacher, R. (Eds. & Trans.), New York: Anchor Books.
- Adler-Baeder, A., Kerpelman, J. I., Schramm, D. G., Higginbotham, B., & Paulk, A. (2007). The impact of relationship education on adolescents of diverse backgrounds. *Family Relations*. 56(3), 291-303.
- Aydin, G. S. (2016). *The effectiveness of a cognitive behavioral group program on constraining beliefs about mate selection and romantic beliefs of graduate students*. The degree of Doctor of Philosophy, Middle East Technical University.
- Brent, D. A., Perper, J. A., Moritz, G., Baugher, M., Roth, C., Balach, L., & Schweers, J. (1993). Stressful life events, psychopathology, and adolescent suicide: A case control study. *Suicide and Life-Threatening Behavior*. 23(3), 179-187.
- Cobb, N. P., Larson, J. H., & Watson, W. L. (2003). Development of the attitudes about romance and mate selection scale. *Family Relations*. 52(3), 221-231.
- Fu, X., & Heaton, T. B. (2008). Racial and educational homogamy. *Sociological Perspectives*. 51(4), 735-758.
- Gardner, S. (2001). Evaluation of the "connections: Relationship and marriage" curriculum. *Journal of Family and Consumer Science Education*. 19(1), 1-14.
- Gardner, S. P., Giese, K., & Parrot, S. M. (2004). Evaluation of the connections: Relationships and marriage curriculum. *Relations*. 53(5), 521-527.
- Gyuris, P., Jarai, R., & Bereczkei, T. (2010). The effect of childhood experiences on mate choice in personality traits: Homogamy and sexual imprinting. *Personality and Individual Differences*. 49(5), 467-472.
- Hattori, A. (2013). Pacific Asia inquiry. *Multidisciplinary Perspectives in the Liberal Arts and Social Sciences*. 5(1), 1-211.
- Joyner, K., & Udry, J. R. (2000). You don't bring me anything but down: Adolescent romance and depression. *Journal of Health and Social Behavior*. 41(4), 369-391.

- Kern, R. M., Hawes, E. C., & Christensen, O. C. (1989). *Couples therapy: An Adlerian perspective*. New York: University of Arizona.
- Knox, D. (2015). *M & F3. United States*: Cengage learning.
- Larson, A. S., & Olson, D. H. (1989). Predicting marital satisfaction using prepare: A replication study. *Journal of Marital and Family Therapy*. 15(3), 1311-322.
- Larson, J. H. (1992). "You're my one and only": Premarital counseling for unrealistic beliefs about mate selection. *The American Journal of Family Therapy*. 20(3), 242-253.
- Larson, J. H. (2000). *Should we stay together? A scientifically proven method for evaluating your relationship and improving its chances for long-term success*. San Francisco: Jossey-Bass.
- Litzinger, S., & Gordon, K. C. (2005). Exploring relationships among communication, sexual satisfaction, and marital satisfaction. *Journal of Sex & Marital Therapy*. 31(5), 409-424.
- Montgomery, M. J. (2005). Psychosocial intimacy and identity: From early adolescences to emerging adulthood. *Journal of Adolescent Research*. 20(3), 346-374.
- Murray, C. E. (2004). *Empirical investigation of the relative importance of client characteristics and topics in premarital counseling*. The Degree of Doctor of Philosophy. University of Florida.
- Murray, S. L., Holmes, J. G., & Griffin, D. W. (1996). The self-fulfilling nature of positive illusions in romantic relationships: Love is not blind, but prescient. *Journal of Personality and Social Psychology*. 71(6), 1155-1180.
- Parrott, L., & Parrott, L. (1995). *Saving your marriage before it starts*. Grand Rapids, Michigan: Eerdmans.
- Poley, J. M. (2011). *A pre-marriage proposal: Getting ready for marriage, an Adlerian design*. The Degree of Master of Arts in Adlerian Counseling and Psychotherapy.
- Popenoe, D., & Whitehead, B. (2000). *Sex without strings, relationships without rings: Today's young singles talk about mating and dating*. A Publication of the National Marriage Project. Retrieved from <http://marriage.rutgers.edu/publications.html>.
- Priest, J., Burnett, M., Thompson, R., Vogel, A., & Schvaneveldt, P. (2009). Relationship dissolution and romance and mate selection myths. *Family Science Review*, 14. 48-57.
- Rajabi, Gh., Mahmoudi, O., Aslani, K., & Amanollahi, A. (2017). The effectiveness of premarital education based on premarital interpersonal choices and knowledge program in reducing fear of marriage and increasing the marriage motivation of single students. *Journal of Kermanshah University of Medical Science*. 2(3), 108-314.
- Silliman, B. (2003). Building healthy marriages through early and extended outreach with youth. *Journal of Psychology and Theology*. 31(3), 270-282.
- Silliman, B., & Schumm, W. (2004). Adolescents' perceptions of marriage and

- premarital couple's education. *Family Relations*. 53(5), 513-520.
- Singh S. R. (2009). "Early marriage among women in developing countries. *International Family Planning Perspectives*. 22(4), 148-175.
- Sprecher, S., & Metts, S. (1999). Romantic beliefs: Their influence on relationships and patterns of change over time. *Journal of Social and Personal Relationships*. 16(6), 834-851.
- Van Epp, M. C., Futris, T. G., Van Epp, J. C., & Campbell, K. (2008). The impact of the PICK a partner relationship education program on single army soldiers. *Family and Consumer Sciences Research Journal*. 36(4), 328-349.
- Waite, L. J., & Gallagher, M. (2000). *The care for marriage: Why marriage people are happier, healthier, and better off financially*, New York: Doubleday.
- Whisman, M. A., Dixon, A. E., & Johnson, B. (1997). Therapists' perspectives of couple problems and treatment issues in couple therapy. *Journal of Family Psychology*. 11(3), 361-366.
- Wineer, B. J. (1962). *Statistical principles in experimental design*. New York: McGraw-Hill.
- Zondi, G. (2016). *Preferred occupations in mate selection: a study of students in two south African universities*. The Degree Master of Social Sciences Psychology. University of KwaZulu-Natal.